www.jgk.imamreza.ac.ir

پژوهشنامه خراسان بزرگ

دوره ۱۴، شماره ۵۲، پاییز ۱۴۰۲

ISC | MSRT | ICI

شاپا چاپی: ۶۱۳۱-۲۲۵۱   شاپا الکترونیکی: ۱۶۷۱-۲۷۱۷

مقاله پژوهشی

بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌بخش معماری در روند جهانی‌شدن و تبیین هویت معماری اسلامی در مواجهه با این عصر (با نگرش به تحلیل عناصر هویتی مسجدالحرام و حرم امام رضا(ع))

زهرا فلاح زرومی * (الف)، مهدی حمزه‌نژاد (ب)

الف) دانشجوی کارشناسی‌ارشد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)، مشهد، ایران

ب) استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران (hamzenejad@iust.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

شماره صفحات: ۳۶-۱۹

واژگان کلیدی:

جهانی‌شدن، بحران هویت، معماری اسلامی، اندیشمندان معاصر

استناد به مقاله:

فلاح زرومی، زهرا؛ حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۴۰۲). «بازشناسی مؤلفه‌های هویت‌بخش معماری در روند جهانی‌شدن و تبیین هویت معماری اسلامی در مواجهه با این عصر (با نگرش به تحلیل عناصر هویتی مسجدالحرام و حرم حضرت امام رضا(ع)». *پژوهشنامه خراسان بزرگ*. ۱۴. (۵۲)، ۳۶-۱۹.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

چکیده

معماری اسلامی، معماری سراسر حکمت است که به شناسایی و درکی عمیق نیاز دارد تا شناسانده شود و برای سرزمین‌های دیگر شناسنامه‌ای حکیمانه و هویت‌مند باشد. در گذر زمان و در فرآیند جهانی‌سازی، ساختار و سیمای شهرهای اسلامی ازجمله معماری آن طی دهه‌های اخیر دچار چالش‌ها و تحولات شگرفی شده است. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، بحران هویت به‌ویژه در هویت معماری اسلامی است. هدف اصلی این پژوهش در مرحله اول شناسایی و تحلیل عناصر هویتی و آسیب‌پذیر معماری در روند جهانی‌شدن و در مرحله دوم بررسی و تحلیل ترجیحات مردمی از عناصر هویت معماری اسلامی پیرامون دو حرم مقدس (مسجدالحرام در شهر مکه معظمه، حرم حضرت امام رضا(ع) در شهر مشهد مقدس)، با استفاده از آزمون بصری و دسته‌بندی کیفی است. از این‌رو، سؤالات اصلی عبارت‌اند از: حوزه جهانی‌شدن چگونه و بر چه عناصری از هویت معماری تأثیر می‌گذارد؟ و در روند جهانی‌شدن، عناصر هویت‌بخش معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان معاصر به چه میزان در ترجیحات مردمی به لحاظ هویت‌بخشی اماکن اسلامی نزدیک است؟ با تفکیک مقوله جهانی‌شدن و تبیین ریشه‌های بحران هویتی در عصر جهانی‌شدن می‌توان اذعان نمود که فرآیند جهانی‌شدن حوزه معماری را به‌طور مستقیم تحت نفوذ قرار داده است. بدین‌جهت که فرآیند جهانی‌شدن از طریق نفوذپذیر ساختن مرزها و بازسازی مکان و زمان و از سویی دیگر گسترش چشمگیر فضای فرهنگی که منابع لازم هویت‌ساز معماری می‌باشند را به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر قرار داده و تا حدود بسیار زیادی متحول نموده است. از این‌رو، مقاومت در برابر مؤلفه‌های تحول‌یافته منجر به انزوا و بحران هویت خواهد شد. نتایج بررسی و تحلیل عناصر هویتی از دیدگاه نظریه‌پردازان معاصر نشان می‌دهد، هویت معماری ارتباط عمیقی با هویت کاربران خود دارد. این ارتباط در بستر مکان، زمان و فرهنگی شکل‌گرفته که بر مبنای آن یک بنا منطبق بر نیازهای انسان، روح زمان و فرهنگ تشکل‌یافته است که با بررسی و تحلیل عناصر هویتی از دیدگاه ترجیحات مردمی نسبت به دو حرم مقدس نیز این موضوع روشن می‌گردد.

DOI: https://doi.org/10.22034/JGK.2023.348761.1065
URL: https://jgk.imamreza.ac.ir/article_182572.html

*نویسنده مسئول مکاتبات: (z_zaroomi@yahoo.com)

مقدمه

مفهوم جهانی‌شدن به مجموعه‌ای از فرآیندهای پیچیده اطلاق می‌گردد که به‌موجب آن دولت‌های ملی به نحو فزاینده‌ای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند. این مفهوم از معنی واژه‌ای نشات گرفته که گاه به جهانی‌شدن و زمانی به جهانی‌سازی ترجمه شده است (سوئیزی، ۱۳۸۰: ۲۱). مهم‌ترین ویژگی جهانی‌شدن این است که مفهوم مکان و زمان یا به بیانی دیگر، مفهوم سرزمینی بودن دولت‌ها را تغییر داده است. به‌عبارت‌دیگر، سرزمینی بودن دولت‌ها با فرسایش شدید مواجه شده است و به این جهت اهمیت سیاسی تقسیمات سرزمینی و ارتباطات سنتی از بین رفته است (Kraus, 1996: 63). بدین ترتیب واژه جهانی‌شدن و جهانی‌سازی برای توصیف مرحله بین‌المللی شدن ارتباطات چه از طریق وسایل ارتباط‌جمعی و چه از طریق مبادله به‌کاررفته است (رابرتسون، ۱۵۷:۱۳۸۲). ازآنجاکه ارتباطات اعم از فردی و اجتماعی، سنتی یا نوین، نقش بسزایی در شکل‌گیری هویت دارد، متعاقباً تحول در نظام‌های ارتباطی می‌تواند دگرگونی‌های عمده‌ای در روند تکوین هویت ایجاد نماید (بیات، ۱۳۸۹: ۸۵). بنابراین جهانی‌شدن خالق نوعی بحران هویت و معنا است (رابرتسون، ۱۳۸۲: ۱۵۷) و این‌گونه به‌طور عام با تمامی دستاوردهایش، رفتارهای انسانی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. آن‌هم تأثیری که گستره آن تمامی فضای شناخته‌شده توسط بشر را در گرفته و بحث مهم معماری و جهانی‌شدن یا به عبارتی واضح‌تر تأثیرات جهانی‌شدن بر معماری از همین خاستگاه نشات می‌گیرد (ویسی، ۱۳۸۳: ۱۶۹).

چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن در عرصهٔ معماری، برگرفته از ترجمان شکلی واژگان «نوگرایی» و «سنت» است. نوگرایی، عباراتی همچون حذف الگوهای تاریخی، استانداردسازی، خلوص و غیره، انتزاعی اشکال را به یاد می‌آورد. درحالی‌که سنت، تصاویری همچون الگوهای تاریخی، بومی، تنوع، خطوط غنی و غیره را به ذهن متبادر می‌سازد (Aly, 2011: 131). پرواضح است که مبانی طراحی مبتنی بر چالش‌های فوق‌الذکر، گرایش‌های طراحی معماری متنوعی به وجود آورده که به شکل‌گیری دو موج متضاد در عرصه معماری انجامیده است. یک موج، به دنبال حفظ و ترویج معماری بومی و سنت‌ها بوده و موج دیگر با ترویج و انتشار ساخت فرم‌های جدید با کمک فناوری‌های نوین در پی پاسخ به نیازهای عملکردی و روانی در حال تغییر کاربران بوده است (Lewis, 2002: 98)، که مقاومت در برابر مؤلفه‌های تحول‌یافته و خودداری از شکل‌گیری هویت جدید همگام با تغییر نیازهای فضایی، شکلی و معنایی مرتبط بر معماری منجر به انزوا و بحران هویت خواهد شد (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۱). حال این سؤال مطرح می‌گردد که جهانی‌شدن و تغییر رویه ارتباطات کشورها به چه طریق بر عناصر هویتی معماری تأثیر می‌گذارد؟ و آیا در این عصر رابطه‌ای بین عناصر هویتی از دیدگاه اندیشمندان معماران معاصر و ترجیحات مردمی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

اگرچه در زمینه مفهوم هویت و جهانی شدن، همچنین تعامل میان منطقه‌گرایی در معماری معاصر با توجه به عصر جهانی شدن، پژوهش‌های متعددی به بررسی مسئله بحران جهانی‌شدن و معماری در کشورهای درحال‌توسعه صورت گرفته است، اما در عصر حاضر و چالش‌های هویتی پیش‌رو تنها تعداد اندکی از پژوهش‌ها به تعمیم این مسئله به هویت بنای اسلامی و تعامل و تقابل میان ترجیحات مردمی و اندیشمندان پرداخته است. به عنوان نمونه هادی ندیمی، جلال محدثی در «امکان سخن از نسبت معماری و دین در عصر جهانی‌شدن»، محمدجواد مهدوی‌نژاد و پریا سعادت‌جو در «هویت‌گرایی در معماری معاصر کشورهای اسلامی» و محمدجواد مهدوی‌نژاد و فاطمه جعفری در «تعامل و تقابل منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن در معماری معاصر». این تحقیق تلاش دارد در مرحله نخست به شناسایی عناصر هویتی تأثیرپذیر معماری در روند جهانی‌شدن بپردازد و در گام بعدی پس از تحلیل و بررسی نظریه اندیشمندان معماری معاصر دربارهٔ عناصر هویت‌ساز معماری، از طریق یک آزمون تجربی ارتباط بین هویت و چگونگی آن را از نگاه ترجیحات مردمی در خصوص دو بنای مقدس اسلامی مقایسه و بررسی نماید. در جهت انتخاب مکان‌های موردمطالعه، تلاش شد تا مکان‌هایی انتخاب گردد که علاوه بر تنوع هویتی دارای سابقه تاریخی و همچنین مورد تأیید اکثریت مسلمانان دنیا قرار گیرد. بدین‌ترتیب،

مسجدالحرام در شهر مکه خاستگاه توحیدی و حرم امام رضا(ع) در مشهد که به اصل امامت در نزد همه شیعیان اشاره دارد، به‌عنوان مکان‌های منتخب این پژوهش موردبررسی قرار می‌گیرد.

روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از منابع معتبر اسنادی و کتابخانه‌ای به تعریف معماری و هویت آن پرداخته می‌شود و سپس با استفاده از تکنیک‌های تحلیلی-توصیفی، سعی بر شناخت هرچه بیشتر عناصر سازنده هویت معماری و عناصر تأثیرگذار جهانی‌شدن می‌پردازد تا بدین طریق بتوان به پیامدهای بازتاب جهانی‌شدن بر معماری دست‌یافت. در مرحله بعد به تحلیل دیدگاه اندیشمندان در رابطه با مفهوم هویت و عناصر هویت‌بخش در معماری معاصر پرداخته می‌شود و از طریق یک آزمون تجربی مقایسه‌ای بین دو حرم مذکور، ارتباط بین هویت مکان و چگونگی آن تبیین می‌گردد. روش‌های ارزیابی کیفیت بصری مناظر به دو دسته: ۱. ارزیابی ترجیحات مردم ۲. ارزیابی توسط متخصص تقسیم‌بندی می‌شود (Arthur, 1977:4 ; Daniel and Vining, 1983:54 ; Zube, 1982:77). با توجه به رویکرد و هدف این تحقیق، روش نخست انتخاب گردید. یکی از شیوه‌های این روش طبقه‌بندی کیفیت[1] است. این شیوه امکان استنتاجات مناسب را بر اساس قضاوت‌های مردم امکان‌پذیر می‌نماید. عدم وجود سابقه تحقیق در رابطه با موضوع و توجه به قابلیت تعمیم‌پذیری سبب شد تا ۱۰۰ نفر مسلمان از سراسر دنیا که به دو حرم مذکور مشرف شده‌اند، به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شوند. به جهت جامعه آماری متنوع و عدم امکان دسترسی به‌صورت حضوری، پرسشنامه‌ای الکترونیکی به دو زبان فارسی و انگلیسی تهیه گردید. مراحل این روش شامل تعیین جامعه آماری، تهیه عکس، دسته‌بندی و انتخاب عکس، تهیه فرم پرسشنامه و تحلیل‌های کمی مبتنی بر اطلاعات جمع‌آوری شده است. کلیهٔ داده‌ها با به‌کارگیری آمار توصیفی و تحلیلی طی ۳۰ روز و استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل گردید و پس از جمع‌بندی نهایی به تبیین عناصر هویتی معماری اسلامی از نگاه ترجیحات مردمی و مقایسه آن با نظریه اندیشمندان می‌پردازد.

معماری و عناصر هویت‌ساز آن

در تعریف ساده و عمومی از معماری می‌بایست اذعان نمود که معماری به شکل‌دهی فضای زیست و ساختن ظرف متناسب با انسان می‌پردازد. وسیلهٔ این تشکل ماده، توان و تکنیک و عرصهٔ آن طبیعت است. معماری از یک‌طرف متأثر از خواسته‌ای انسان و فرهنگ اوست و از طرف دیگر متأثر از شرایطی است که انسان در آن زندگی می‌نماید (هال، ۴:۱۳۶۳). در خصوص چیستی معماری می‌توان گفت معماری از یک موجودیت و هستی تمدنی حکایت می‌کند که لزوماً مربوط به مرگ‌های گذشته نیست، بلکه حکایت‌گر هستی امروز و هستی آینده نیز هست (عاملی، ۱۳۸۵: ۸). ورود به این مبحث، به‌عنوان موضوعی که همواره با هستی انسان در این عالم عجین است می‌تواند رهگشای چشم‌اندازهای متفاوتی به مقوله هویت معماری باشد (ایمانی، ۱۳۹۱: ۷۸). همه ما در فراسوی ظاهر و کالبد فیزیکی و کمیت‌هایی که برای بیان آن ارائه می‌نماییم، به دنبال ماهیت و کیفیت اصلی طرح هستیم و در اصل آنچه جوهر اصلی معماری است، هویت معماری است (شولتز، ۱۳۸۰: ۷). دیدگاه اندیشمندان در این خصوص حاکی از آن است که برخلاف نگرش سنتی به هویت به‌عنوان مفهومی ذاتی و ثابت، امروزه از هویت به مفهومی ساخته‌شده تعبیر می‌گردد که تحت‌تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد (سلیمانی، ۱۳۹۵: ۱۵).

انسان مؤلف و شناسندهٔ معماری، در تبیین هویت معماری مؤثر است و در این راستا زمان و مکان ظرف حاوی محتوای عالم پدیدار انسان می‌باشند (Schuon, 1965: 7) و کلیه فعالیت‌های انسانی ازجمله معماری او و در طول «زمان و مکان» معنا و هویت می‌یابد (تقوایی، ۱۳۹۱: ۶۸). به بیانی دیگر هویت زمان در نوع معماری، در مکان معنا می‌یابد. رویدادهایی که در محیط در طول زمان در ذهن و خاطره انسان ایجاب می‌شود چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت جمعی یکی از عوامل هویت‌بخش انسانی در زمان با محیط

1 . Q-Sort

پدیدار می‌گردد که در ذهن انسان نقش می‌بندد و مکان را متمایز با جاهای دیگر در محیط می‌نماید (نقی‌زاده و زمانی، ۱۳۸۹: ۶۵). مکان در معماری بخشی از فضا است که به‌واسطه عوامل و عناصری خاص دارای هویتی تکرارناپذیر و منحصربه‌فرد می‌گردد (رییسی، ۱۳۹۱: ۱۲). رلف ارتباط میان انسان و مکان را با عنوان روح مکان یاد می‌کند و شولتز آن را عاملی می‌داند که حالت روحی را سبب می‌گردد و نمود آن ادراکی است (Carmona, 2006: 53). بسیاری از رفتارهای انسان متأثر از معنای مکان است. بنابراین، پیوند میان انسان و مکان غیرگسستنی است و در این میان حلقه اتصالی وجود دارد که به آن هویت گویند. پس هم انسان به مکان هویت می‌بخشد و هم مکان به انسان، از این‌رو مکان و انسان دو جزء جدایی‌ناپذیر از یکدیگر می‌باشند (جوادی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

از نگاهی دیگر، معماری این انسان مؤلف نتیجه و حاصل فرهنگ جامعه است. به‌این‌ترتیب، می‌توان گفت که هر تمدن یا قومی در دوران مختلف (زمان و مکان متفاوت)، معماری خاصی را منطبق با فرهنگ خود ارائه می‌دهد. همان‌طور که گشتالت در این باره می‌گوید، هویت یك معماری را چیزی غیر از اصول آن می‌سازد، روح فرهنگی که معماری از آن برخاسته است (السون، ۱۳۸۲: ۱۱۵). در خصوص فرهنگ باید بیان کرد که مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه کسب شده است (امامی، ۱۳۸۸: ٦٨). در عصر حاضر هر بنایی به دلیل آنکه شامل فعالیت‌های متفاوتی است از فضاهای متنوعی برخوردار است و می‌بایست این فضاها به نحو صحیح با یکدیگر ارتباط داشته و سازماندهی گردند. یکی از عوامل مهم تعیین‌کننده نحوه این ارتباطات و سازماندهی، فرهنگ است. فرهنگ تعیین می‌نماید که چه فضاها و مکان‌هایی و به چه میزان با یکدیگر ارتباط داشته باشند (مهدوی‌پور، ۱۳۷۷: ۵۷). درمجموع می‌توان بیان داشت معماری و فرهنگ، دو عامل وابسته به هم می‌باشند که هر یک نقش علت و معلول دیگری را ایفا می‌نمای. (مهدی‌نژاد و کریمی، ۱۳۹۵: ۳۹). از جمع‌بندی دیدگاه اندیشمندان در خصوص مفهوم و اصول سازنده هویت در معماری، این امر مشخص می‌گردد که برخلاف نگرش سنتی به هویت به‌عنوان مفهومی ثابت و ذاتی، امروزه از هویت به مفهومی ساخته‌شده تعبیر می‌گردد که تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. بر این مبنا می‌توان مهم‌ترین عوامل هویت معماری را فرهنگ، زمان و مکان معرفی کرد.

جهانی‌شدن و منابع هویت‌ساز آن

«یک نظام اجتماعی جهانی که در آن دیگر مرزی میان داخلی و خارجی وجود ندارد در حال ظهور است» (Laidi, 1998: 62). نظامی جهانی که به مجموعه فرآیندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌گردد که به‌سرعت در حال رشد و تشکیل هویتی جدید است. همان‌طور که بیان شد هویت‌ها همگی ساخته می‌شوند، هرچند که طبیعی به نظر می‌رسند. قدرت‌های هژمونی همواره دست‌اندرکار هویت‌سازی هستند. بدین‌جهت اگر هویت‌ها ساخته می‌شوند باید مصالح و منابعی به جهت ساخت آن‌ها وجود داشته باشد (ویسی، ۱۳۸۳: ۱۷۰). اکثر صاحب‌نظران و اندیشمندان بر سر شناسایی منابع هویت‌ساز جهانی‌شدن تنازع نظر دارند و پدیده‌های گوناگونی را چونان مصالح و منابع هویت‌ساز به شمار می‌آورند، اما اکثر قریب به‌اتفاق آنان عناصر هویتی جهانی‌شدن را در چهار حوزه سیاسی، تکنولوژی-فناوری، اقتصادی و فرهنگی جستجو می‌نمایند (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

آنچه در آغاز موضوع جهانی‌شدن به ذهن متبادر می‌گردد به هم ریختن نظام بین‌المللی فعلی، یعنی مجموعه تعاملات و مناسبات میان دولت‌ها و ملت‌ها در قالب شکل سیاسی آن است (باستر، ۱۳۷۸: ۱۳). با توجه به گسترش ساختارها و روند جهانی‌شدن در عرصه سیاست و درنتیجه افت قدرت دولت‌ها، این امر خطور می‌گردد که عرصه و دامنه موضوعات و همچنین بینش‌های مسلط در جامعه‌شناسی سیاسی دستخوش تحولات اساسی و عمده‌ای شده باشد. از این منظر، جهانی‌شدن بزرگ‌ترین تهدید برای الگوی دولت در جامعه‌شناسی سیاسی کلاسیک به‌حساب می‌آید و باعث کاهش استطاعت دولت‌ها در جهت اتخاذ اقدامات مستقل در اعمال سیاست‌های خود گشته است. جهانی‌شدن سیاست نشان می‌دهد که به‌جای سرزمین‌ها و

مناطق حصارمند گذشته باید از جهان‌های به‌هم‌پیوسته‌ای سخن گفت که در همه آن‌ها منطق واحدی حکمروایی می‌کند، اگرچه این منطق واحد ممکن است خود نیز دچار چندگانگی‌هایی باشد (خانیکی، ۱۳۹۲: ۹) و منجر به بروز دگرگونی‌هایی اساسی در حیطه ارتباطات و مرزهای جغرافیایی یا همان مکان گردد.

از سویی دیگر، تکنولوژی اطلاعاتی باعث گردیده کیفیت و کمیت اطلاعات قابل‌دسترسی به شیوه‌ای انقلابی و بی‌سابقه‌ای دگرگون شود. درنتیجهٔ این دگرگونی‌ها، فاصله جغرافیایی و مکانی دیگر معنایی ندارد و عرصه عمومی مشترک و قابل‌دسترس در سطح جهانی پدیدار می‌گردد که عموم به نحو فزاینده‌ای به موضوعات و مسائل آن علاقه‌مند می‌گردند. (ویلیامز، ۱۳۷۹: ۱۳۹) و در هر زمان و مکان قابل‌دسترسی است. در این شرایط حدود مرزهای جغرافیائی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید و نقل و انتقالات مالی بسیار کمرنگ می‌گردد و قدرت شرکت‌های چندملیتی افزایش چشمگیری پیدا می‌نماید (معصوم‌زاده کیایی، ۱۳۷۹: ۱۱۶). در دههٔ ۱۹۶۰م مارشال مک لوهان۱، موضوع «دهکده جهانی» را مطرح نمود که مبتنی بر فناوری است و در تمامی ابعاد زندگی انسانی به دلیل وجود سرعت اجتماعی، تحقق پذیرفته است. از نظر او، ظهور تکنولوژی در روند جهانی‌شدن موجب افزایش سرعت تحرکات جغرافیایی و درنتیجه فشردگی زمان و مکان شده است (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۱۱۸). طی چند دهه اخیر عمق و گسترش این تحولات چنان بوده است که فناوری، نظم تولید و مدیریت جهان را وارد پارادایم جدیدی کرده است. افزایش تصاعدی سرعت حمل و نقل، افزایش بی‌نظیر سرعت گردش و پردازش اطلاعات همراه با کاهش چشمگیر هزینه‌ها، این امور از ویژگی‌های برجسته عصر جدید است که با کاهش فاصله زمانی و مکانی، جامعه بشری را به شهری جهانی مبدل کرده است (زمانی، ۱۳۸۴: ۶۲).

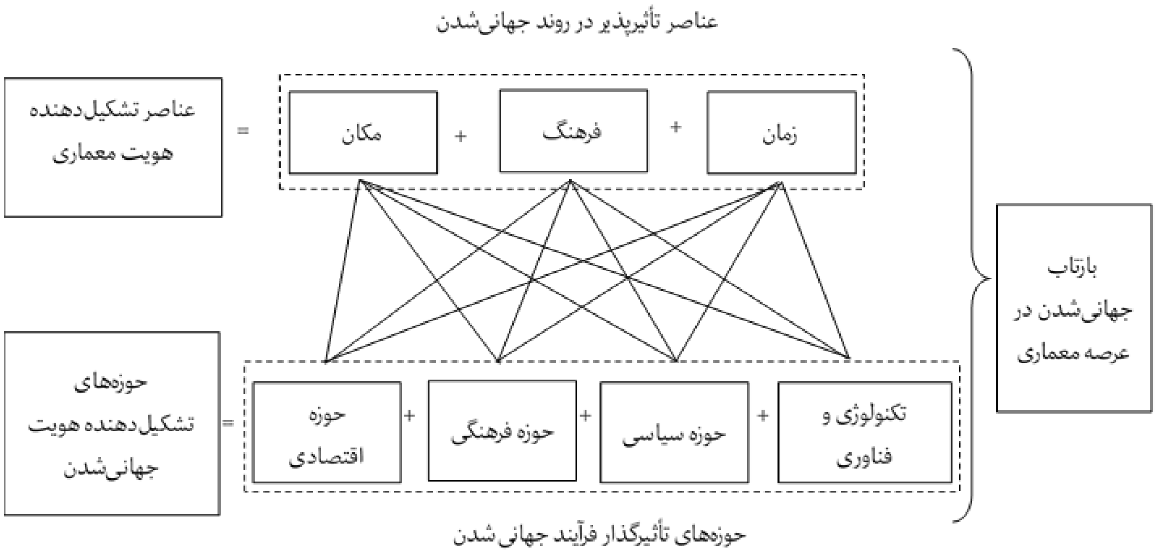
در حوزه فرهنگی نیز برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که جهانی‌سازی در شرایط کنونی ابعاد فرهنگی وسیعی را دنبال می‌نماید. در این زمینه بسط و گسترش فرهنگ غربی در اولویت قرار می‌گیرد و سنت‌زدایی از فرهنگ‌ها افزایش می‌یابد (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). نتایج ناشی از این بعد جدید جهانی‌شدن، لایه‌های جدید فرهنگی بر اساس وابستگی‌های بیشتر قومی در سطح جهان مبتنی بر مشاغل، افکار و تمایلات مشترك شکل می‌گیرد. بنابراین یک فرهنگ کلی به نام فرهنگ جهانی جایگزین فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها می‌گردد. درمجموع، نیروهای جهانی‌شدن هرگونه مرزها و موانع طبیعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود در جهان را کم و بیش تخریب و نفوذپذیر کرده و مفهوم زمان و مکان، دوری و نزدیکی و پروسه انجام یافتن تولیدات فرهنگی را متحول ساخته است (عاملی، ۱۳۸۵: ۱۰).

ارزیابی جهانی‌شدن در عرصه معماری

با بررسی عناصر هویتی معماری و از تحلیل حوزه‌های تحت‌تأثیر جهانی‌شدن، به این نتیجه دست خواهیم یافت که فرآیند جهانی‌شدن، توسط حوزه‌های تکنولوژی-فناوری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به‌صورت مستقیم بر هریک از عناصر مکان، زمان و فرهنگ تأثیر می‌گذارد به بیانی دیگر فرایند جهانی‌شدن از طریق نفوذپذیر ساختن مرزها و بازسازی مکان و زمان و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی (فرهنگ) که منابع لازم هویت‌ساز معماری می‌باشند، به‌طور مستقیم هویت معماری را تحت نفوذ قرار داده و تا حدود بسیار زیادی متحول نموده است که مقاومت در برابر مؤلفه‌های تحول‌یافته و خودداری از شکل‌گیری هویت جدید همگام با تغییر نیازهای فضایی، شکلی و معنایی مرتبط بر معماری منجر به انزوا و بحران هویت خواهد شد و پیامدهایی چون عدم تعلق به مکان و کاستی‌های روانشناختی را در پی داشته است.

1. Marshall McLuhan

ساختار بازتاب جهانی‌شدن بر هویت معماري (مأخذ: نگارندگان)



دیدگاه اندیشمندان در رابطه با مفهوم هویت و اصول هویت در معماری

همان‌گونه که بیان شد واژه هویت دارای معانی متعدد و ابعاد گسترده‌ای است که مجزای از یکدیگر نبوده و یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از طرفی پژوهش‌های انجام‌گرفته حاکی از آن است که پدیده هویت در دوران معاصر، متأثر از تحولات صورت گرفته در دوره‌های پیش از مدرن، مدرن و پست‌مدرن است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۱). بنابراین، برای شناسایی دقیق مفهوم این واژه در دوران معاصر بایستی معانی آن را در رویکردهای مختلف و در بازه‌های زمانی متفاوت مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مفهوم در دوران نوگرایی اولیه و پسین، به شکل تجدد کامل و پیوستن به معماری جهانی مطرح بوده که به‌عنوان هویت شکل‌پذیر آزاد موردبحث قرار می‌گرفت. در حوزه نوگرایی اولیه ابتدا دیدگاه اندیشمندانی چون لوکوربوزیه، گروپیوس و علی‌اکبر صارمی و در نوگرایی پسین دیدگاه آیزمن، رم کولهاس و شیردل موردبررسی قرار می‌گیرد. پس از آن با بیان تحولات فکری صورت گرفته در پست‌مدرنیسم، نظریات اندیشمندانی چون چارلز جکنز، رابرت ونتوری و حسین شیخ زین‌الدین مطرح می‌گردد و در ادامه نیز با بیان تفکرات ذات‌گرایی شولتز، فرانك لویدرایت و پاسبان حضرت در رابطه با مفهوم هویت، موردبحث قرار می‌گیرد. رویکرد فکری سنت‌گرایان نیز در خصوص هویت با بررسی تفکرات لویی کان، تاد آندو و نادر اردلان بررسی می‌گردد و در انتها رویکرد برخی متفکران اسلامی در این خصوص ازجمله هادی ندیمی، مهدی حجت و عبدالحمید نقره‌کار بیان می‌گردد که در این حوزه هویت غالباً به وجود و ذات باری تعالی شناخته می‌شود (جدول ۱).

جدول ۱: مفهوم و اصول سازنده هویت در معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان (مأخذ: نگارندگان)

رویکردهای معاصر	معماران	دیدگاه در رابطه با مفهوم هویت در معماری	استنتاج
نوگرایی اولیه	لوکوربوزیه	نام لوکوربوزیه غالباً با کلمه عملکردگرایی تشخص یافته است. لوکوربوزیه در کتاب به‌سوی یک معماری جدید، معماری و هویت آن را نه با واژه‌های «ویترووپوسی» سودمندی، پایداری، زیبایی بلکه تحت واژه‌هایی تجسمی و تحت تأثیر سایه و روشن معرفی می‌کند، او می‌نویسد: «معماری عمدتاً بازی ظریف و دقیقی از احجام است در نور، چشم ما به‌گونه‌ای ساخته شده است که اشکال را در نور تشخیص می‌دهد. بنابراین، مکعب و مخروط و کره و استوانه و منشور احجامی بنیادین هستند که در نور تشخصی ویژه دارند، این احجام نه‌تنها فرمهایی زیبا هستند، بلکه زیباترین آن‌ها نیز می‌باشند» (لوکوربوزیه، ۱۳۹۷: ۱۳۱).	انطباق فرم و عملکرد انطباق با اقلیم خلاقیت و نوآوری انطباق با فناوری و مصالح تداوم
	گروپیوس	او هرگز در وهله اول متوجه جنبه‌های هویتی هنری نبود، بلکه همواره و به‌طور مساوی با علائق اجتماعی، کارکردی، فنی و زیبایی‌شناسی پیوند داشت. تفکرات مبتنی بر پیدایش فرم بر اثر بصیرت و بینش ذاتی را که از توجه آگاهانه نسبت به کارکرد ساختمان بر نیاورده باشد، رد می‌کرد و آن‌ها را بیش از حد ذهنی تلقی می‌نمود. گروپیوس خواستار عینیت بود، آن را هم در کارهای معماری و هم در فعالیت‌های آموزشی بکار می‌بست (مانیا گولامپونیای، ۱۳۸۱: ۲۲۸). اندیشه او پیوندی عمیق و نه قراردادی با میراث اندیشه اومانیسم داشت (بنهولو، ۱۳۸۹: ۵۸۸).	انطباق فرم و عملکرد انطباق با بافت قابلیت شخصی‌سازی انطباق باارزش‌های انسانی
	صارمی	او با تغییر رویکرد نقد از معماری نوگرا و تهاجم فرهنگ جدید غربی به معماری سنتی و گذشته، هماهنگی با معماری جهانی را در راستای خط فکری خود قرار می‌دهد. نظریه‌های جدید او نشان‌دهنده عدم وجود مفهومی مشخص از هویت است و معماری قرن بیستم به جهت فناوری آن را فاقد هویت می‌داند. همچنین به اعتقاد او پذیرش فرهنگ معماری غرب از جانب معمار ایرانی، بحران و تباهی محسوب نمی‌شود و راه آینده معماری ایران در بی‌پروا جهانی‌شدن است. چراکه کثرت‌گرایی در جهان در حال تغییر و پویندگی است (نقره‌کار، ۱۱:۱۳۸۷).	انطباق با نیازهای انسان انطباق با روح زمان انطباق با فناوری و مصالح خلاقیت و نوآوری
نوگرایی پسین سازمان‌شکنی	پیتر آیزنمن	آیزنمن معماری و هویت آن را به‌عنوان لبهٔ بینابین معرفی می‌نماید و بر این باور است که سرپناه می‌بایست از هر دو جنبهٔ فیزیکی و متافیزیکی ادراك شود. یعنی هم در دنیای واقعیت و هم در دنیای ایده حیات داشته باشد. به اعتقاد او معماری می‌بایست به‌عنوان شرایطی از حضور و شرایطی از غیبت عمل نماید. بنابراین ماهیت و هویت معماری نیز ذاتاً بینابین است که موجب شده تا هرگز حالتی ایستا به خود نگیرد و همین پویایی است که موجب ماندگاری می‌گردد (قبادیان، ۱۳۸۸: ۱۱۲).	خلاقیت و نوآوری انطباق با روح زمان انطباق با نیازهای انسان انطباق فرم و عملکرد قابلیت شخصی‌سازی
	رم کولهاس	به عقیده او معماری و هویت آن ترکیب مخاطره‌آمیزی از ناتوانایی و توانایی است که ظاهراً گرفتار «شکل‌دادن» به دنیا است. به نظر او ذهن و خرد معماران برای کارا شدن، بستگی به تحریک دیگران دارد بنابراین تصادف و پیش آمد زیربنای نهفته زندگی همه معماران است. آن‌ها با خواسته‌هایی مواجه می‌شوند؛ درباره موضوعاتی مبهم، در کشورهایی ناشناخته، پارامترهایی که آن‌ها ایجاد نکرده‌اند و منتظر روبرو شدن با مشکلاتی هستند که در ذهن آن‌ها تثبیت نشده است. به بیانی دیگر معماری و هویت آن در تعریف رم کولهاس یک سرگذشت پر هرج و مرج است (کولهاس، ۱۳۸۵: ۲).	انطباق با روح زمان انطباق بافرهنگ خلاقیت و نوآوری انطباق با فناوری و مصالح

تلفیق‌گرایی تجدد و سنت	بهرام شیردل	بهرام شیردل بروز هویت معماری ایرانی را ذاتی و ناخودآگاه دانسته و در این خصوص بیان می‌دارد: «من امروز فرزند آبا و اجداد ایرانی خود هستم. از نوادگان بزرگان قاجار و خوی ایرانیت در وجود من است... هویت ایرانی همین است که ایرانیان امروز آن را می‌خواهند» (شیردل، ۱۷:۱۳۹۵). همچنین تأکید می‌کند در معماری «نباید آینده را برای گذشته فدا کرد» (شیردل، ٦٤:۱۳۷٤).	انطباق با روح زمان انطباق بافرهنگ خلاقیت و نوآوری انطباق فرم با فناوری
	چارلز جنکز	جنکز «معماری برای معمار» نامیده است، اما فرمالیسم او به شکلی احساسی و انتقادی و متفاوت با دیگر رشته‌های هنری است. جنکز بحث خود را در مورد بحران هویت معماری معاصر غرب با تحلیل ظهور نوگرایی آغاز می‌کند. جایگاهی که به قول جنکز دین جای خود را به علوم داد و این مسئله بحران‌های فراوانی برای بشر ایجاد کرد (جنکز، ۱۳۷۵: ۳۲). به عقیده او در شرایط امروز معماری مقبول همه همانند سیاست مقبول همه بدون طرفدار است و در هر زمینه متخصصان و گروه‌های علاقه‌مند چیره‌اند (جنکز، ۱۳۷۸: ۱۸).	انطباق با فناوری و مصالح انطباق با روح زمان تداوم انطباق بافرهنگ
	رابرت ونتوری	او در طراحی یک بنا عنایت به بافت، مردم، فرهنگ مردمی و محیط و مطالبی از این قبیل داشت. ونتوری اعتقاد داشت واقعیت در آمیزش و ارتباط فرهنگ‌ها است و تنها راه هویت بخشیدن به معماری، قائل شدن به روند معنوی آن است. دور از هر نوع را دیکالیزم عقیدتی، اجتماعی و یا نژادی (دیبا، ۱۳۸۲: ۱۶). ونتوری هیچ اعتقادی به سبك بین‌المللی ندارد و به‌جای آن معتقد به زمینه گرایی است، یعنی هر بنایی باید بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و کالبدی و شرایط آن سایت و ساختمان طراحی و اجرا شود (ونتوری، ۱۳۵۷: ۲۴۵).	انطباق با بافت انطباق با اقلیم انطباق بافرهنگ انطباق با نیازهای انسان انطباق با روح زمان انطباق باارزش‌های انسانی
	حسین شیخ زین‌الدین	شیخ زین‌الدین از دیرگاه موضوع آشفتگی هویت معماری در دوران معاصر را موردبررسی و تحلیل قرار داده است. او پایه و اساس بحران هویت در معماری را در آشفتگی اعتقادی و فرهنگی عنوان می‌نماید و بیان می‌دارد «معماری امروز با تفکری گسیخته از بالا در جهان زیرین عمل می‌نماید» و دلیل آشکار شدن چنین شرایطی را تأثیر مفاهیم و اصول زندگی و هنر غربی دانسته و سنت را همانند یك ثروت مطرح می‌نماید که برای امکان بهره‌مندی و استفاده از آن باید به‌روز بود (نقره‌کار، ۳۲:۱۳۸۷).	انطباق بافرهنگ انطباق با نیازهای انسان انطباق فرم و عملکرد انطباق باارزش‌های انسانی
ذات‌گرایی	شولتز	شولتز هویت را مفهومی وحدت یافته و یکپارچه می‌داند که به شکل جو یا اتمسفر مکان بر مخاطب تأثیر می‌گذارد (نوربرگ شولتز ۱۳۹۱: ٤۳) و در طول زمان و تاریخ پایدار می‌ماند (همان: ۹٦). او کجایی و چیستی اشیاء را مرتبط با یکدیگر دانسته و هویت آن‌ها را به فرم ویژه حضور آن‌ها تعریف می‌کند (همان: ۷۱) و معتقد است که «معماری اصیل معماری مراقبت است؛ اما معماری مراقبت لزوماً معماری مشارکت است» (شولتز، ۱۳۸۲: ۱۱۵) و یک بنا، می‌تواند دنیا را گرد هم آورد و این گردهمایی را برحسب سه اصل تجسم فکری، تکامل و نمادآوری تعریف می‌کند (همان: ۱۱۲).	انطباق فرم و عملکرد انطباق بافرهنگ انطباق با روح زمان تداوم انطباق با نیازهای انسان
	فرانك لوید رایت	او نقدی بر دیدگاه ماشینی لوکوربوزیه و گروپیوس دارد و می‌گوید: «پنداشته‌اند که خانه ماشینی است که زندگی در آن انجام می‌شود، اما به‌واقع معماری آن زمانی آغاز می‌شود که چنان پنداری خاتمه می‌یابد.» او تأکید دارد که: «معماری تمرین هنرمندانهٔ سرهم‌بندی کردن و بالا بردن بنا بر اساس یك نقشهٔ زمینی از پیش معلوم نیست» (رایت، ۱۳۷۱: ۱۷٤). به نظر او، همهٔ ارزش‌های نهفته در هویت معماری بر اساس مبانی فکری است که به‌عنوان پشتوانهٔ آن عمل می‌کنند. «معماری هنری است علمی و داشتن مبنایی اندیشمندانه همیشه ضامن کار معمار خواهد بود» (همان).	انطباق با نیازهای انسان انطباق فرم و عملکرد خلاقیت و نوآوری انطباق با روح زمان انطباق با بافت

سنت‌گرایی تاریخی	پاسبان‌حضرت	از نظر پاسبان حضرت سابقه هویتی معماری یک شهر، وجه غالب معماری کنونی شهر، معماری معبر یا معابر مجاور، مصالح، نیازها، توقعات، امکانات، محدودیت‌ها، فرهنگ و غیره مستنداتی هستند که در هر تحقیق حتی خیلی هم کوچک، لحاظ می‌شوند (پاسبان‌حضرت، ۱۳۸۷: ۳۰).	انطباق با اقلیم انطباق با بافت انطباق فرم و عملکرد انطباق بافرهنگ
	برادران کریر	برادران کریر بحران هویتی معماری و شهرسازی امروز را ناشی از عوامل زیر می‌دانند: ۱. زمان‌دار شدن ارزش‌های زیباشناختی: به اعتقاد آن‌ها يك معماری زیبا که امروز آفریده می‌شود باید دویست سال دیگر نیز زیبا باشد. بناها و شهرها استفاده‌های درازمدت دارند زیرا ارزش‌ها و مفاهیمی را در بردارند که به وضعیت انسان بستگی دارد (کریر، ۱۳۹۸: ٥٤). ۲. نفی تاریخ و آرمان‌ها: شهرسازی جدید آرمان‌گرایانه نیست بلکه در عوض موجبات تنوع بی‌پایان بلندپروازی‌های بشر را برای ساخت محیط‌های همگون فراهم می‌سازد (کریر، ۱۳۹۸: ٥٢).	انطباق فرم و عملکرد انطباق با فناوری و مصالح انطباق با بافت تداوم
	حسن فتحی	او اصول اساسی، نظیر اعتقاد به اولویت ارزش‌های انسانی بر معماری، اهمیت رویکردهای فراگیر در مقایسه با رویکردهای محدود، استفاده از فناوری مناسب، لزوم اجتماع‌محوری و فن‌های ساخت، نقش ضروری سنت و برقراری مجدد مفاخر فرهنگی در میان هنر ساختمان‌سازی را اساس شکل‌گیری هویت معماری می‌داند (فتحی، ۱۳۸۲: ٤٦). او معتقد است تا پیش از فروپاشی مرزهای فرهنگی که در قرن نوزدهم اتفاق افتاد فرم‌ها و عناصر ویژۀ معماری بومی در تمامی جهان دیده می‌شود و ساختمان‌های هر ناحیه، میوۀ شگفت‌انگیز وحدت تصور مردم با خواسته‌های محیط بود (همان).	انطباق با اقلیم انطباق با نیازهای انسان انطباق با بافت انطباق بافرهنگ انطباق با فناوری و مصالح انطباق باارزش‌های انسانی
	پیرنیا	محمد کریم پیرنیا هنر معماری ایران را استوار بر پنج اصل مردم‌واری، خودبسندگی، پرهیز از بیهودگی، نیارش و درون‌گرایی می‌داند. به نظر او شروع شکاف در هویت معماری ایران بیشتر منتسب به دوره قاجار است. تقلید در معماری از دوره قاجار در ایران آغاز می‌گردد. معماران در دوران قاجار توانایی کافی برای ابداع به‌صورت گسترده در هنر معماری و توسعه دانش معماری نداشته و به‌ناچار در برخی از حوزه‌ها به تقلید روی آوردند؛ به همین دلیل بود در برابر معماری اروپایی نتوانستیم تحرکی داشته باشیم و به سرعت جامعه ایرانی، مشتاق، مبهوت و سپس جذب معماری اروپایی شد (پیرنیا، ۱۳۸۳: ٥٤).	انطباق با اقلیم انطباق با بافت انطباق با نیازهای انسان انطباق باارزش‌های انسانی انطباق با فناوری و مصالح انطباق بافرهنگ
سنت‌گرایی معنوی	لویی کان	کان که هویت معماری را ساختن پلی بین عناصر ملموس و عناصر ناملموس دانسته، هدف از معماری را سیر از جسم به روح می‌داند. او بر اهمیت تفاوت هر محیط با سایر محیط‌ها تأکید دارد و هویت را توجه ویژه به شخصیت فردی آن محیط دانسته و پرهیز از هرگونه تشابه و یکنواختی محیط‌های شهری از طریق به نمایش گذاردن ویژگی‌های خاص هر محیط تعریف می‌نماید (دانشپور، ۱۳۸۰: ٥٥). از نظر کان، ساختمان به معنای بیان نیروها (ساختارگرایی) یا تجسم ویژگی‌های محیطی (نگرش ارگانیك) نیست، بلکه کشف نظم ذاتی جهان نیز هست. این نظم خود انسان را در برمی‌گیرد (شولتز، ۱۳۸۰الف: ۱٦۸).	انطباق با نیازهای انسان انطباق باارزش‌های انسانی خلاقیت و نوآوری انطباق فرم و عملکرد انطباق با روح زمان قابلیت شخصی‌سازی

حکمت اسلامی	تاد آندو	به اعتقاد او معماری و هویت آن می‌بایست دارای یك معنای دوگانهٔ باشد؛ یعنی در ابتدا فضای زندگی روزانه است و سپس عملکردهایی را که لازم است را در خود جای می‌دهد و در همان حال فضایی نمادین نیز است (آندو، ۱۳۸۱: ۵۲) و بیان می‌دارد که معماری تنها هنر به کار بردن فرم‌ها نیست، معماری علاوه بر ساختن فضا، در درجه اول ساختن یك مکان است که همانند فونداسیون فضا عمل می‌نماید (همان: ۸۵).	انطباق با نیازهای انسان انطباق فرم و عملکرد انطباق با روح زمان خلاقیت و نوآوری تداوم
	نادر اردلان	اردلان هویت را واحد، ازلی و متصل به علم ملکوت می‌داند، به اعتقاد او راه ویژه برای رسیدن به عالم ملکوت یکی از عوامل اصلی طرح معماری است. او نادیده انگاشتن ابعاد روحی و معنوی را مسبوق به مشکلات محیطی می‌داند و نبود معنویت را زیربنایی‌ترین عنصر بحران‌ساز در معماری معاصر تلقی می‌نماید. او بر این باور است که شالوده معماری آمیخته‌ای از طبیعت و فرهنگ منطقه مربوطه محسوب می‌شود و بدین‌جهت بحران هویت در معماری معاصر را در همین دو زمینه ارزیابی می‌نماید. او در راستای حفظ نگرش پیشین خود، بر بحران اکولوژی تأکید می‌نماید (نقره‌کار، ۱۳۸۹: ۳۴۸).	انطباق با نیازهای انسان انطباق با بافت انطباق بافرهنگ انطباق با اقلیم انطباق باارزش‌های انسانی انطباق با فناوری و مصالح
	هادی ندیمی	از نظر او، ریشه بحران هویت معماری، بر گسیختگی فرهنگی استوار است. این انقطاع اگرچه در بروز بیرونی به شکل یک گسست تاریخی جلوه می‌نماید ولی بنیان آن ناشی از گسست میان اندیشه و فرهنگ جاری عملی است و این نکته بحران را از یک بحران تاریخی به یک بحران فکری و معنوی تبدیل می‌نماید. از این‌رو ندیمی هویت را به معنای آیات و سنت‌های رایج تاریخی نمی‌گیرد، بلکه از منظر وی هویت بازگشت به آن آیات و اشارت‌ها است که در نزد ادیان الهی به‌حق بازگشت می‌نماید. این در حالی است که نقش تاریخ در شکل‌گیری هویت از نظر او نفی نمی‌گردد (نقره‌کار، ۱۳۸۷:۴۱).	انطباق با نیازهای انسان انطباق باارزش‌های انسانی انطباق با روح زمان انطباق بافرهنگ تداوم
	مهدی حجت	حجت هویت معماری را در دو زمینه بررسی می‌نماید: ۱. در مرتبه نخست هویت‌های گوناگون را در مرتبه عرضی می‌توان باهم سنجید. در این ساحت هویت عصاره فرهنگ است که طعم خاصی به هنر هر منطقه اقلیمی و تاریخی می‌بخشد. ۲. در مرتبهٔ دوم یا مرتبه طولی که این امر خود از مراتب ادراکی برخاسته است. به بیانی دیگر اساس بحث ادراک را می‌بایست در تعاریف انسان جستجو نمود. به عقیده او جوامع نوگرا، امروزه بر سر «تعریف حداقلی انسان» یعنی شناسایی او در پست‌ترین رده هستی هم‌نوا بوده‌اند (حجت، ۱۳۷۷: ۴۵).	انطباق با نیازهای انسان انطباق با بافت تداوم انطباق باارزش‌های انسانی انطباق با روح زمان انطباق بافرهنگ انطباق با اقلیم
	عبدالحمید نقره‌کار	نقره‌کار معتقد است بحران هویت معماری، به فروکاهش یک کل سامانمند به نام هویت، به یکی از اجزا سامانه از قبیل تاریخ، نژاد، فرهنگ، دین و غیره بازمی‌گردد و با تفکیک این مقوله و تبیین ریشه‌های بحران هویتی می‌توان اذعان نمود که عدم تعریف روشن و واضح از مفاهیم سازنده فرهنگ و تمدن، گم‌شدن ارزش‌ها و گسیختگی بین حوزه اندیشه و عمل، قرارگیری عناصر اعتباری و روبنایی در رأس مکاتب و نادیده گرفته شدن عناصر اصیل از مهم‌ترین ریشه‌های بحران هویتی به شمار می‌آیند (نقره‌کار، ۱۳۹۲: ۲۱۸).	انطباق با نیازهای انسان انطباق باارزش‌های انسانی انطباق با بافت انطباق فرم و عملکرد انطباق با روح زمان انطباق بافرهنگ تداوم

تحلیل دیدگاه اندیشمندان در رابطه با مفهوم هویت و معماری

در تحلیل دیدگاه اندیشمندان در ارتباط با مفهوم معماری و هویت می‌توان یک فرآیند کلی را مشاهده نمود که نشان‌دهنده آن است هویت یک اثر معماری ارتباط عمیقی با هویت کاربران خود دارد به‌گونه‌ای که یک اثر معماری به نمادی از هویت شخص تبدیل‌شده و شخصیت و منزلت اجتماعی او را به نمایش می‌گذارد. درواقع، فرآیند ایجاد و خوانش هویت یا به تعبیری کدگذاری و کدزدایی معنا، محصول یک فرآیند ارتباطی میان معمار، اثر معماری و مخاطب است. استنتاج حاصله، شاخصه‌هایی را در خصوص هویت‌بخشی به آثار معماری در اختیار قرار می‌دهد که در حقیقت نشان‌دهنده انتقادهای موجود به معماری مدرن و پارادایم‌های جایگزین در دوران پست‌مدرن است و بر مبنای آن اصل انطباق با نیازهای انسانی اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخصه هویتی است و پس از آن اصولی چون انطباق با روح زمان و انطباق بافرهنگ (سازگاری) و انطباق فرم و عملکرد (شفافیت) به‌عنوان اصول و معیارهای مؤثر در هویت‌بخشی به آثار معماری بیان می‌گردند (جدول ۲).

درمجموع این تحلیل نشان می‌دهد: ۱. تعامل و ارتباط میان فرد و اثر معماری در وهله اول در بستر مکانی مشخصی شکل‌گرفته که بر مبنای آن یک اثر معماری بایستی قابلیت پاسخگویی به نیازهای انسانی را دارا بوده و در انطباق مؤثر فرم و عملکرد خود قرار گیرد. ۲. تعامل و ارتباط میان فرد و اثر معماری در بستر زمانی مشخصی شکل‌گرفته که بر مبنای آن یک اثر، بایستی قابلیت پاسخگویی به نیازهای کاربر خود را داشته و در هماهنگی با تاریخ و گذشته او قرار داشته باشد. ۳. تعامل و ارتباط میان فرد و اثر معماری در بستر فرهنگی شکل‌گرفته که بر مبنای آن یک اثر معماری بایستی قابلیت پاسخگویی به ارزش‌های جامعه و سازگاری با محیط به‌مثابه روح جامعه را دارا باشد.

جدول ۲: عناصر سازنده هویت در معماری از دیدگاه نظریه‌پردازان (مأخذ: نگارندگان)

رویکردهای معماری معاصر	برخی از معماران	انطباق با اقلیم	انطباق باارزش‌های انسانی (معنویت)	تداوم	انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)	قابلیت شخصی‌سازی (انعطاف‌پذیری)	انطباق با نیازهای انسان	انطباق بافرهنگ	انطباق با بافت (خوانایی)	خلاقیت و نوآوری	انطباق با روح زمان	انطباق فرم با فناوری و مصالح
نوگرایی اولیه	لوکوربوزیه	✓		✓	✓					✓		✓
	گروپیوس		✓		✓	✓			✓			
	صارمی						✓			✓	✓	✓
نوگرایی پسین سامان شکنی	پیتر آیزنمن				✓	✓	✓			✓	✓	
	رم کولهاس							✓		✓	✓	✓
	بهرام شیردل							✓		✓	✓	✓
تلفیق‌گرایی تجدد و سنت	چارلز جکنز			✓				✓			✓	✓
	رابرت ونتوری	✓	✓				✓	✓	✓		✓	
	شیخ زین‌الدین		✓		✓		✓	✓				
ذات‌گرایی	شولتز			✓	✓		✓	✓			✓	
	فرانك لویدرایت				✓		✓		✓	✓	✓	

	پاسبانحضرت	✓			✓			✓	✓			
سنت‌گرایی تاریخی	برادران کریر			✓	✓				✓			✓
	حسن فتحی	✓	✓				✓	✓	✓			✓
	پیرنیا	✓	✓				✓	✓	✓			✓
سنت‌گرایی معنوی	لویی کان		✓		✓	✓	✓			✓	✓	
	تاد آندو			✓	✓		✓			✓	✓	
	نادر اردلان	✓	✓				✓	✓	✓			✓
حکمت اسلامی	هادی ندیمی		✓	✓	✓		✓	✓			✓	
	مهدی حجت	✓	✓	✓	✓		✓	✓	✓		✓	
	نقره‌کار		✓	✓	✓		✓	✓	✓		✓	

یافته‌ها

همان‌طور که گفته شد، در ارزیابی متخصصین در خصوص شاخصه‌های هویتی یک منظر، ارزش‌گذاری بر اساس جنبه‌های بصری و عینی و در قالب رویکرد در ذات منظر انجام می‌گیرد درحالی‌که ارزیابی توسط مردم در چشم بیننده اهمیت می‌یابد و ارزش‌گذاری بر اساس ادراک و احساس افراد نسبت به منظر صورت می‌پذیرد. حال این سؤال مطرح می‌شود در روند جهانی‌شدن عناصر هویتی از دیدگاه نظریه‌پردازان به چه میزان در ترجیحات مردمی به لحاظ هویت‌بخشی اماکن اسلامی نزدیک است؟ در ابتدای پژوهش مطرح شد روش ارزیابی ترجیحات مردمی به‌عنوان روش پژوهش انتخاب گردید. در مرحله اول به جهت جامعه آماری متنوع و عدم امکان دسترسی به‌صورت حضوری پرسشنامه‌ای الکترونیکی(به دو زبان فارسی و انگلیسی) تهیه گردید که شامل سؤالات مربوط به اطلاعات فردی و آزمون طبقه‌بندی میزان تأثیرگذاری عناصر هویتی یک بنا، است. هریک از سؤالات دربرگیرنده یکی از عناصر استنتاجی هویت از نگاه نظریه‌پردازان است (جدول ۳). در مرحله بعد از بین بیش از ۱۰۰ عکس از محدوده موردمطالعه، ۳۶ عکس انتخاب گردید که شامل: ورودی، صحن‌های اصلی و فرعی، سازه‌های الحاقی، عکس‌های هوایی و فضاهای داخلی و خارجی هریک از دو حرم موردمطالعه را در بر می‌گرفت. تصاویر به‌صورت دسته‌بندی در پرسشنامه‌ای جهت انتخاب منظر با هویت از دیدگاه ترجیحات مردمی قرار گرفت. بدین‌صورت که علاوه بر انتخاب مناظر برتر، مهم‌ترین علت انتخاب در مورد منظر با هویت نیز مورد پرسش واقع گردید. کلیهٔ داده‌ها با به‌کارگیری آمار توصیفی و تحلیلی و استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۳: میزان تأثیرگذاری عناصر استنتاجی هویت از دیدگاه نظریه‌پردازان بر اساس ترجیحات مردمی (مأخذ: نگارندگان)

عناصر هویتی	سؤال	میزان تأثیرگذاری (نفر)		
		کم	متوسط	زیاد
انطباق با اقلیم	عامل انطباق بنا با اقلیم به چه میزان در هویت آن بنا تأثیرگذار است؟	18	35	47
انطباق با ارزش‌های انسانی	توجه به ابعاد معنوی و ارزش‌های انسانی در یک بنا تا چه اندازه در هویت آن بنا مؤثر خواهد بود؟	18	40	42
تداوم	وجود انگاره‌های هویتی علاوه بر بیان اعتقادات جامعه به چه میزان می‌تواند باعث تداوم بنا گردد؟	28	39	33
انطباق فرم و عملکرد (شفافیت)	انطباق فرم بنا با عملکرد و کاربری آنچه میزان در نشان دادن هویت بنا نقش خواهد داشت؟	12	35	53

پژوهشنامه خراسان بزرگ
پاییز ۱۴۰۲ شماره ۵۲

قابلیت شخصی‌سازی (انعطاف‌پذیری)	توجه به بعد اجتماعی انسان و وجود تعاملات اجتماعی در یک مجموعه تا چه اندازه می‌تواند در نشان دادن هویت یک بنا مؤثر باشد؟	17	45	38
انطباق با نیازهای انسان	توجه به نیازهای انسانی و حضور او در فضا به چه میزان در معرفی هویت بنا نقش خواهد داشت؟	17	34	49
انطباق بافرهنگ (سازگاری)	توجه به ابعاد فرهنگی ازجمله آداب و رسوم، اعتقادات و سنن جامعه چه میزان در نشان دادن هویت آن بنا مؤثر خواهد بود؟	19	30	51
انطباق با بافت (خوانایی)	عامل انطباق بنا با بافت پیرامون (به لحاظ خوانایی و دسترسی ساده‌تر) تا چه اندازه در هویت آن بنا تأثیر مؤثر است؟	42	30	28
خلاقیت و نوآوری	خلاقیت و نوآوری تا چه اندازه در نشان دادن هویت بنا تأثیرگذار است؟	17	35	48
انطباق با روح زمان	به ارمغان آوردن بهترین‌های گذشته در معماری دوران معاصر به چه میزان می‌تواند در هویت بنا تأثیرگذار باشد؟	15	35	50
انطباق فرم با فناوری و مصالح	توجه به تکنولوژی-فناوری و مصالح به چه میزان در نشان دادن هویت بنا نقش خواهد داشت؟	25	45	30

مقایسه ترجیحات مردمی: همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشخص است، از دیدگاه ترجیحات مردمی بیش از ۵۰ درصد عناصر هویتی متعلق به «انطباق فرم و عملکرد»، «انطباق بافرهنگ»، «انطباق با روح زمان» و درنهایت «انطباق با نیازهای انسان» است که این خود نشان‌دهنده آن است که رابطه تنگاتنگی بین ترجیحات مردمی و دیدگاه اندیشمندان نسبت به عناصر هویتی معماری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر می‌توان چنین نتیجه گرفت که در روند جهانی‌شدن هویت یک مفهوم عام است و برای هویت داشتن مجموعه‌ای از ویژگی‌ها باید در عاملی جمع گردد.

تصاویر برتر: جدول ۴، عناصر هویتی تصاویر از دیدگاه ترجیحات مردمی را مشخص می‌نماید. طیف وسیع انتخاب‌ها نشان می‌دهد که همه تصاویر مورد انتخاب قرار گرفته‌اند. تحلیل و بررسی ترجیحات هویتی در جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت آشکاری بین دو حرم مسجدالحرام و حرم امام رضا(ع)، در رابطه با معیارهای عینی و ذهنی در ترجیح منظر از دیدگاه مردمی وجود ندارد. بااین‌وجود، می‌توان دریافت آنچه برای مردم در ترجیح آنان از هویت اماکن اسلامی بیش از سایر ابعاد اهمیت داشته، بعد حس معنوی و روحانی است و به دنبال آن رابطه مؤثر کارایی و عملکرد بنا است. عمده‌ترین تفاوت در حریم چشمی محسوس می‌گردد که نشان‌دهنده این است، مسجدالحرام با وجود نفوذپذیری و دسترسی مناسب، به جهت ساختمان‌های مرتفع و سازه‌های پیرامونی حرم از حریم چشمی کمتری برخوردار است. بدین‌جهت، تصاویری بیشتر به لحاظ هویتی موردپسند واقع گردید که در طی سال‌های اخیر علاوه بر تغییرات اندک، دارای بافت و مصالح سنتی و از سویی دیگر خط آسمان وسیع‌تری به نسبت دید ناظر داشته‌اند.

جدول ۴: دسته‌بندی عناصر هویتی از دیدگاه مردمی به تفکیک متغیرهای عینی و ذهنی (مأخذ: نگارندگان)

عناصر هویتی از دیدگاه مردمی	
مصادیق عینی	**مفاهیم ذهنی**
تمیزی/ نظم	آرامش
مهندسی‌ساز	اصالت
کارایی/ عملکرد	خاطرهٔ خوش
ریتم و قرینگی	با معنا بودن
*هماهنگی ارتفاع	سرزنده بودن
بافت و مصالح	حس معنوی و روحانی
نور/ روشنایی	هویت
*هماهنگی فرم‌ها	*صمیمیت
کنتراست رنگ	*دلبستگی
نفوذپذیری	امنیت
حریم چشمی	
تنوع فرم	
مقیاس (تناسب)	
*سنتی بودن	
آشنایی با مکان	

(*متغیرهای کمتر از ۱ درصد که در محاسبات منظور نشدند)

جدول ۵: میانگین درصد متغیرهای عینی و ذهنی (مأخذ: نگارندگان)

متغیر		هویت		
		میانگین کل	مسجدالحرام	حرم امام رضا(ع)
عینی	تمیزی/ نظم	4.8	5.5	4.1
	مهندسی ساز بودن	6.7	7.2	6.2
	کارایی/ عملکرد	8.5	9	8
	ریتم و قرینگی	4.9	5.5	4.3
	بافت و مصالح	7.85	8.3	7.4
	نور/ روشنایی	5.3	6	4.6
	کنتراست رنگ	6.2	6.9	5.5
	نفوذپذیری (دسترسی)	7.3	8.6	6
	حریم چشمی	6.35	4.4	8.3
	تنوع فرم	6.25	6.5	6
	مقیاس (تناسب)	7	6.7	7.3
	آشنایی با مکان	2.6	1.4	3.8
ذهنی	اصالت	3.95	4.2	3.7
	خاطرهٔ خوش	5.3	4.4	6.2
	با معنا بودن	3.65	3.8	3.5
	سرزنده بودن	3.85	3.5	4.2
	حس معنوی و روحانی	9.5	10	9

نتیجه‌گیری

با بررسی عناصر هویت معماری در روند جهانی‌شدن، به این امر دست خواهیم یافت که فرآیند جهانی‌شدن، توسط حوزه‌های تکنولوژی-فناوری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، بر هریک از عناصر مکان، زمان و فرهنگ (منابع لازم هویت‌ساز معماری)، به‌طور مستقیم تأثیر نهاده و مقاومت در برابر مؤلفه‌های تحول‌یافته و خودداری از شکل‌گیری هویت جدید همگام با تغییر نیازهای فضایی، شکلی و معنایی مرتبط بر معماری منجر به انزوا و بحران هویت خواهد شد. از این‌رو، در سرزمین‌هایی با پشتوانه و فرهنگ اسلامی،

بی‌تردید می‌بایست طراحی بنا تحت‌تأثیر اهداف معماران مبتنی بر تجلی هویت و اصالت اسلامی قرار گیرد، چراکه احیای این هویت تنها در سایه بهره‌گیری توأمان از الگوها، مفاهیم و تسلط بر مبانی نظری اسلامی محقق خواهد شد. همان‌طور که در تحلیل دیدگاه اندیشمندان معاصر در ارتباط با مفهوم معماری و هویت ذکر شد، هویت یک اثر معماری ارتباط عمیقی با هویت کاربران خود دارد. آگاهی از ترجیحات مردمی در این زمینه می‌تواند کمک بسیاری به معماران اسلامی در ایجاد محیطِ با هویت نماید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد «کارایی و عملکرد» و «فرم و عملکرد» یک مکان با هویت آن ارتباط تنگاتنگی دارد و این امر از طریق مقایسه متغیرهای ذکرشدهٔ نظریه‌پردازان و نیز در انتخاب ترجیحات مردمی از بناهای اسلامی اثبات گردید. ادراک، شناخت و ارزیابی مردم از امکان مقدس بر پایه ادراکی کلی و جامعی از محیط قرار دارد. این امر توجیه می‌کند که چرا انتخاب تصاویر و معیارهای هویتی تا این حد به یکدیگر نزدیک است. در حقیقت، مردم ارزش‌های پنهان مستتر در محیط را می‌سنجند. آنچه برای مردم در ترجیح آنان از هویت مکان اسلامی بیش از سایر ابعاد اهمیت داشته، بعد حس معنوی و روحانی است، یعنی ابعاد روانشناسی/ دینی با مکان است. موفقیت در این زمینه از سویی مستلزم استفاده از طراحان و اندیشمندان بومی تا سر حد امکان و تجدیدنظر در انتخاب معماران خارجی است و از سویی دیگر تأمل دقیق‌تر در مبانی نظری، ریشه‌های فکری و مبانی اعتقادی مردم است تا بدین‌جهت معماران با آگاهی از خواسته‌های مردم، نیازها و فرهنگ، فاصله میان عمل و نظر را پر نموده و در تحقق ایده‌ها و اهداف بهتر عمل نمایند. بی‌توجهی به این مقولات و برخورد سطحی با مسئله، منجر به گسست از گذشته خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود که با این روند، بحران هویت در کشورهای اسلامی تعمیق یابد. از این‌رو، در روند جهانی‌شدن، کشورهای اسلامی می‌بایست بیش از گذشته پایه‌های همبستگی را در تمامی حوزه‌های تحت‌تأثیر جهانی‌شدن (تکنولوژی-فناوری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) مستحکم‌تر نمایند تا صیانت و مداومت هویت معماری اسلامی نوینی را در دوران معاصر به عرصه ظهور برسانند و مداومت این همبستگی چیزی نیست جز حفظ هنر توحیدی.

فهرست منابع

۱. آندو، تادائو. (۱۳۸۱). ***شعر فضا***. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: غزال.

۲. السون، متیو.(۱۳۸۲). ***نظریه‌های یادگیری***. ترجمه علی‌اکبر سیف. تهران: دوران.

۳. امامی، صابر. (۱۳۸۸). «حافظ و هویت فرهنگی». ***زبان و ادبیات فارسی***. (شماره ۱۳)، ۶۷-۸۵.

۴. ایمانی، نادیه. (۱۳۸۷). «حقیقت نهفته: بحثی در چیستی معماری». ***آینهٔ خیال***. (شماره ۹)، ۷۷-۸۱.

۵. بیات، ب، و ع آزادواری. (۱۳۸۹). «تأثیر جهانی‌سازی بر هویت ملی و هویت جهانی». ***رفاه اجتماعی***. (شماره ۲۲)، ۱۴۰-۸۳.

۶. بنه ولو، لئوناردو. (۱۳۸۹). ***تاریخ معماری مدرن*** ج۳. ترجمه علی‌محمد سادات افسری. تهران: نشر دانشگاهی.

۷. پاسبان حضرت، غلامرضا. (۱۳۷۸). ***طراحی در طبیعت***. تهران: گنج هنر.

۸. پاسبان حضرت، غلامرضا. (۱۳۸۷). «چند سؤال دربارهٔ طراحی معماری». ***معماری و شهرسازی***. (شماره ۵۴-۵۵)، ۲۸-۳۳.

۹. پاستر، مارک. (۱۳۷۸). ***عصر دوم رسانه‌ها***. ترجمه غلامحسین صالحیار. تهران: ایران

۱۰. پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۸۳). ***سبک‌شناسی معماری ایرانی***. تهران: سروش دانش.

۱۱. تقوایی، حسین. (۱۳۹۱). «از سبک تا هویت در معماری». ***هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی***. (شماره ۲)، ۶۵-۷۳.

۱۲. جنکز، چارلز. (۱۳۷۵). ***پست‌مدرنیسم چیست***. ترجمه فرهاد بیضایی، تهران: مرندیز.

۱۳. جنکز، چارلز. (۱۳۷۸). ***دیکانستراکشن لذت ناشی از نبود***. ترجمه محمدرضا جودت. تهران: توسعه.

۱۴. جوادی، محمد.(۱۳۹۴). «درآمدی بر مفهوم هویت محیط انسان‌ساخت به‌وسیله مؤلفه‌های مکان، فضا و کالبد». ***مدیریت شهری***. (شماره ۴۱)، ۱۲۹-۱۵۹.

۱۵. حجت، مهدی. (۱۳۷۷). «ادراک فضا». ***رواق.*** (شماره ۱)، ۴۴-٦٤.

۱۶. خانیکی، هادی. (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن و ارتباطات». ***مطالعات راهبردی جهانی‌شدن.*** (شماره ۱۰)، ۷-۳۲.

۱۷. دانشپور، عبدالهادی. (۱۳۸۰.) «بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری». ***پایان‌نامه دکتری.*** تهران: دانشگاه تهران.

۱۸. دیبا، داراب.(۱۳۸۲). «هنر و گفتگو-رابرت ونتوری، دنیز اسکات براون و داراب دیبا». ***فصلنامه معماری و شهرسازی.*** (شماره ۷۲-۷۳)، ۲۷-۱۵.

۱۹. رابرتسون، ر. (۱۳۸۲). ***جهانی‌شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگی جهانی.*** ترجمه کمال پولادی. تهران: ثالث.

۲۰. رایت، فرانك لوید. (۱۳۷۰). «معماری و ماشین». ترجمه فرزانه طاهری. ***آبادی.*** (شماره ۱).

۲۱. رییسی، ایمان. (۱۳۹۱). «نسبت فضا و مکان در اثر معماری». ***روزنامه شرق.*** (شماره ۱۵۰۱)، ۱۲.

۲۲. زمانی، هادی. (۱۳۸۴). ***ایران: فرصت‌ها و چالش‌های جهانی‌شدن.*** تهران: بال.

۲۳. سلیمانی، م، و همکاران. (۱۳۹۵). «بازشناسی مفهوم و اصول هویت در اثر معماری». ***هویت شهر.*** (شماره ۲۵)، ۲٦-۱۵.

۲۴. شولتز، کریستین. (۱۳۸۰). «پدیده مکان. ترجمه نیر طهوری». ***معمار.*** (شماره ۱۳)، ۴-۹.

۲۵. شولتز، کریستین. (۱۳۹۱). ***مفهوم در معماری غرب.*** ترجمه مهرداد قیومی بید هندی. تهران: فرهنگستان هنر.

۲۶. شولتز، کریستین. (۱۳۸۲).***گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان.*** ترجمه علیرضا سید احمدیان. تهران: نیلوفر.

۲۷. شیردل، بهرام. (۱۳۷۴). «فضای سوم». ***آبادی.*** (شماره ۱۹)، ٦۷-٦۴.

۲۸. شیردل، بهرام. (۱۳۹۵). ***مصاحبه در رابطه با گفتگوی تمدن‌ها در کتاب راهبردهای عملی تحقق گفتگوی تمدن‌ها.*** تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

۲۹. عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۵). «هویت‌های فرهنگی قدیم و جدید، رمزگشایی تمدنی و معماری سنتی». ***دین و ارتباطات.*** (شماره ۳۰)، ۷-۴۴.

۳۰. فتحی، حسن. (۱۳۸۲). ***ساختمان‌سازی با مردم.*** ترجمه علی اشرفی. تهران: دانشگاه هنر.

۳۱. قبادیان، وحید. (۱۳۸۸). ***مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب.*** تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی

۳۲. کریر، لئون. (۱۳۹۸). ***معماری باهمستان.*** تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۳۳. کولهاس، رم. (۱۳۸۵). ***رم کولهاس (S.M.L.XL).*** ترجمه ایمان رئیسی. تهران: خاک.

۳۴. گل‌محمدی، احمد. (۱۳۸۱). ***جهانی‌شدن فرهنگ، هویت.*** تهران: نشر نی.

۳۵. لوکوربوزیه. (۱۳۹۷). ***به‌سوی معماری جدید.*** ترجمه محمدرضا جودت. تهران: آرمان‌شهر.

۳۶. مانیا گولامپونیای، ویتوریو. (۱۳۸۱). ***معماری و شهرسازی در قرن بیستم.*** ترجمه لادن اعتضادی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۳۷. معصوم‌زاده کیایی، م احمد. (۱۳۷۹). «حاکمیت دولت‌ها در عصر شرکت‌های چندملیتی». ***اطلاعات سیاسی اقتصادی.*** (شماره ۱۵۵)، ۱۲۳-۱۱۴.

۳۸. مهدوی‌پور، حسین. (۱۳۷۷). «مقدمه‌ای بر تأثیر فرهنگ در معماری». ***مسکن و محیط روستا.*** (شماره ۸۴)، ٦۰-۵۲.

۳۹. مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، و باقر کریمی. (۱۳۹۵). ***نسبت و رابطه هویت فرهنگی و نقش آن در طراحی.*** تهران: پژوهش‌های نوین

۴۰. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۹۲). ***حکمت معماری و هنر اسلامی.*** انتشارات الکترونیکی دانشگاه علم و صنعت ایران، قطب علمی معماری اسلامی.

۴۱. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). ***درآمدی بر هویت اسلامی در معماری.*** تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

۴۲. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۹). ***مبانی نظری معماری.*** تهران: دانشگاه پیام نور.

۴۳. نقی زاده، محمد، و همکاران. (۱۳۸۹). «ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه‌بر ساختار نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی»، ***هویت شهر.*** (شماره ۷)، ٦۱-۷۴.

۴۴. نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۵). «نگاهی تحلیلی به روند مفهوم هویت در قالب‌های سه‌گانهٔ هویت سنتی، مدرن و پست‌مدرن». ***مطالعات ملی***. (شماره ٢٦)، ۱۲۷-۱۴۷.
۴۵. ویسی، صلاح‌الدین. (۱۳۸۳). «جهانی‌شدن و معماری». ***زریبار***. (شماره ۵۵)، ١٦٥-١٧٦.
۴۶. ونتوری، رابرت. (۱۳۵۷). ***پیچیدگی تضاد در معماری***. ترجمه واهان پزشکیان. تهران: امیرکبیر.
۴۷. ویلیامز، مارک. (۱۳۷۹). «بازاندیشی در مفهوم حاکمیت تأثیر جهانی‌شدن بر حاکمیت دولت‌ها، ترجمه اسماعیل مردانی». ***اطلاعات سیاسی اقتصادی***. (شماره ۱۵۵-۱۵٦)، ۱۳۲-۱۴۱.
۴۸. هال، ویلیام. (١٣٦٣). ***تاریخ و فلسفهٔ علم***. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سروش.
49. Aly, G. (2011). ***Hitler's Beneficiaries: How the Nazis Bought***. CPI Mackays
50. Arthur, L. M, and et al. (1977). “Scenic assessment: an overview”. ***Landscape Plann***. (vol 4), 109-129.
51. Carmona, M. (2006). ***Public Places: Urban Spaces***. London: Routledge.
52. Krause, J, and N. Renwick. (1996). ***Identities in International Relations Houndmills***.
53. Laidi, A. (1998). ***World Without Meaning: The Crisis of Meaning in International Politics***. London: Routledge.
54. Lewis, B. (2002). ***What Went Wrong***. Oxford: Oxford University.
Schuon, Frithjof. (1965). ***Light on the Ancient World***. London: Perennial Book.